

مروری



جایگاه اخلاق در محیط زیست

سحر بهرکاب^{۱*}

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران

نویسنده مسئول: سحر بهرکاب
ایمیل: sahar_behrekab@yahoo.com

این آگاهی افزوده می‌شود که نمی‌توان همانند گذشته به مصرف منابع جهان ادامه داد و نشانه‌های تنگنای محیط زیستی در همه جا آشکار شده است. اگرچه ارائه آمار و اطلاعات پیرامون وضعیت محیط زیست لازم است اما، بیش از این که به اطلاعات علمی درباره خسارات وارد شده به زمین نیاز باشد، به توافقی درباره چگونگی رفتار نسبت به این سیاره نیاز است. در این شرایط، انسان باید به این پرسش سخت پاسخ گوید که هنگامی که افراد خواهان به حداکثر رساندن سود خود هستند چگونه می‌توان از بهره‌برداری بیش از حد و تخریب منابع طبیعی جلوگیری کرد؟ در واقع چالش موجود، چگونه زندگی کردن بر روی زمین نیست بلکه، قبولاندن این چگونگی به افراد است. در این راستا، می‌توان به بیانیه هشدار دانشمندان به بشریت در سال ۱۹۹۲، اشاره کرد که در آن بیش از ۱۰۰۰ دانشمند از ۷۲ کشور و از جمله ۱۰۵ برنده جایزه نوبل، با انتشار نامه‌ای اعلام نمودند که برای توجه به زمین، اخلاق و شیوه نگرش جدیدی لازم است. این اخلاق می‌باید حرکت عظیمی را برانگیزد و رهبران، حکومت‌ها و انسان‌های بی‌میل را وا دارد که تغییرات لازم را ایجاد کنند. با درک اهمیت اخلاق در حفاظت از محیط زیست، افراد مختلف سعی کرده اند تا نظریه‌ها و رهیافت‌هایی پیرامون اخلاق زیست محیطی ارائه دهند. از بین آن‌ها می‌توان به لئوپولد، ریگان، کلیکات، تیلور، رولستون و

مقدمه

تقریباً روزی نیست که اخبار جدیدی از نوعی مشکل محیط زیستی به گوشمان نرسد. وجود آسمان دود آلود، رودخانه‌های آلوده، گونه‌های رو به نابودی جانوران و تخریب جنگل‌ها یعنی این که در این کره‌ی خاکی همواره یک جای کار اشکال دارد. بسیاری از مردم ادعا می‌کنند که آمادگی حفاظت از محیط زیست را دارند، اما بیشتر آن‌ها به محض اینکه ناچار می‌شوند در این رابطه تغییری در عادت‌های‌شان صورت دهند، حرف خود را پس می‌گیرند. اگر هوا، منابع آب، خاک و حتی غذایمان آلوده هستند، به عملکرد خودمان بر می‌گردد. پس اگر نمی‌خواهیم خودمان و کودکانمان را به نابودی بکشانیم، زمان آن رسیده است که به پیامدهای کارهای روزمره خود بیندیشیم (اشرفی و بهزاد نسب، ۱۳۸۵).

بروز بحران‌های محیط زیستی موجب طرح این پرسش شده است که آیا محیط زیست می‌تواند ادامه رفتار فعلی انسان‌ها را دوام بیاورد؟ هر روز بر

چرا اخلاق محیط زیست؟

اخلاق محیط زیستی شاخه‌ای از مطالعات است که تعاملات انسان با محیط غیر انسانی را از منظر اخلاقی بررسی می‌کند. از این رو آنچه مستقیماً مورد توجه اخلاق محیط زیست قرار دارد، بررسی چگونگی رابطه عوامل انسانی آگاه و خود مختار با چیزهای موجود در محیط زیست است. ارتباط ضمنی این مطلب با اخلاق از این قرار است: یک اخلاق آگاه به محیط زیست آن است که این واقعیت را بپذیرد که هر فرد موجود زنده، از هر نوع که باشد، جزء محیط زیست خود آن است و باید به آن در هنگام کارهای خود که احتمال دارد بر آن تأثیر بگذارد توجه کند و اهمیت دهد. لذا اخلاق محیط زیست علاوه بر محیط طبیعی به محیط شهری نیز توجه دارد: با این اساس که انسان چگونه به لحاظ فیزیکی، ذهنی و روحی تحت تأثیر طراحی و مصالح ساختمان‌هایی که در آن زندگی یا کار می‌کند و غیره قرار می‌گیرد. باید دانست که شهر تنها محیط زیست انسان نیست. لذا توجه جامع به محیط زیست، تأثیر آن‌ها را بر حیوان و گیاه نیز مورد توجه قرار می‌دهد. در نتیجه وظیفه‌ی اخلاق محیط زیست ایجاد اصولی بر روابط انسان با طبیعت است. یعنی مسئولیت‌های انسان برای ممانعت از آسیب و حفاظت در مقابل آسیب. هر چند ساده است که اخلاق به تنهایی بتواند ما را از گرداب تباهی زمین، زیستگاهی که تنها خانه‌ی ماست، نجات دهد. چون علاوه بر اخلاق مجموعه عواملی از قبیل قوانین، تدابیر اقتصادی، فنی و علمی و همچنین بسط آموزش‌های همگانی نیز وجود و ضرورت دارند، اما آنچه اخلاق را از سایر این تدابیر متمایز می‌سازد، دو چیز است:

نائس اشاره کرد. این افراد با بیان ضرورت بسط جایگاه اخلاقی به سایر موجودات، هرکدام به نوعی از اخلاق زیست محیطی معتقدند که در آن، برخی از گونه‌ها و یا اجزای زیست بوم و یا کل زیست بوم، از جایگاه اخلاقی برخوردارند. برای مثال، ریگان، با طرفداری از زیست محوری، آن نوع اخلاق محیط زیستی را پیشنهاد می‌دهد که می‌توان آن را موضعی قوی در حمایت از حیوانات دانست. در مقابل، لئوپولد با ارائه اخلاق زمین، معتقد به نوعی اخلاق زیست بوم محور است که در آن، رفتاری با محیط زیست درست است که به حفظ انسجام، ثبات و زیبایی زمین کمک کند. اگرچه تلاش‌های انجام شده در ارائه نظریه‌ها و رهیافت‌های اخلاق زیست محیطی، در جای خود با ارزش‌اند، اما جهان همچنان نیازمند نظریه‌ای جامع در این رابطه است (عابدی سروستانی و همکاران، ۱۳۸۶).

ارزش‌گذاری محیط زیست را می‌توان بر مبنای چهار دسته از توجیحات مختلف پایه‌گذاری کرد که عبارتند از: منفعت طلبانه، اکولوژیکی، زیبا شناختی و اخلاقی. منفعت طلبانه و اکولوژیکی به بقاء خود ما و یا با منابع اقتصادی ما پیوند دارند. بحث زیبا شناختی به درک ما از زیبایی طبیعت مربوط می‌شود (اردکانی، ۱۳۸۸) و اما توجیه اخلاقی که مورد نظر ماست بر این مبنا استوار است که سایر موجودات نیز حق دارند و مسئولیت اخلاقی ما حکم می‌کند که به ادامه حیاتشان کمک کنیم. توجیه اخلاقی به تمام موجودات زنده، اکوسیستم‌ها و حتی اشیاء بی‌جان نیز توجه دارد و حق نسل‌های آینده را نیز در نظر می‌گیرد (کریم زادگان، ۱۳۸۲).

رعایت برخی نظام های طبیعی، شامل اجزاء حیاتی و غیر حیاتی قابل تعریف است (پرمن یوما و مک گیل ری، ۱۳۸۲).

از نظر انسان‌گراها حفظ تنوع زیستی مهم می‌باشد، زیرا برخی مواقع معلوم می‌شود که یک گونه گیاه نه چندان چشمگیر خصوصیات داروئی دارد. مثلاً گیاه پریوش قرمز درمان بیماری سرطان‌های لنفیتیک کودکان را فراهم می‌آورد یا یک ماده‌ی شیمیایی در بزاق زالو لخته‌های خون را در حین جراحی حل می‌کند (Wilson, 1994). در نتیجه از نظر انسان‌گراها حفظ تنوع زیستی مهم است زیرا منافع برای انسان‌ها دارد. اما برخی از طرفداران حفظ طبیعت ادعا می‌کنند که مراقبت ما از تنوع زیستی باید مستقل از منافع آن برای بشر باشد و ما به آن‌ها توجه می‌کنیم به خاطر خود آن‌ها نه به خاطر منافع انسانی.

منافع اقتصادی

در مورد ارزش های محیط زیست دو بحث جداگانه مطرح است. یکی بحث فکری و دیگری بحث راهبردی. اولین بحث به وضعیت درست اخلاقی نسبت به طبیعت مربوط می‌شود و بحث دوم در ارتباط با این نکته است که کدام وضعیت اخلاقی یا کدام اصول و مبانی اخلاقی در حفظ گونه‌ها و اکوسیستم‌های طبیعی مؤثرتر واقع می‌شود. طرفداران محیط زیست به بحث دوم پرداخته و نسبت به اصول سیاست زیست محیطی رویکرد عمل‌گرایانه در پیش گرفته‌اند (Norton, 1989). با کمک بحث راهبردی، حفظ تنوع زیستی می‌تواند به دو طریق صورت گیرد. یک روش، کوشش در جهت حفظ تنوع زیستی می‌تواند قرار دادن محدودیت‌هایی بر استفاده از زیستگاه‌ها باشد. این کار اغلب از

اول آن که اخلاق مجموعه‌ای از معیارها، هم درونی و هم اجتماعی، را به عمل در می‌آورد که در عام‌ترین شکل خود بر کلیه‌ی روابط انسان با هستی نظارت دارد. و دیگر آن که در خلوت ما، آنجا که ممکن است هیچ یک از سایر تدابیر پیش گفته در بازداشتن ما از یک رفتار ناشایست کارساز نباشند، اخلاق همچنان در عمل است (Benson, 1929). حفاظت از تنوع زیستی از نظر دو دیدگاه ۱- مباحث اخلاقی ۲- منافع اقتصادی اهمیت دارد.

مباحث اخلاقی

در اینجا یک تمایز اساسی بین دو نظام اخلاقی مهم، یعنی فلسفه اخلاقی انسان‌گرایی (humanist philosophy) (اصالت انسان) و فلسفه اخلاقی طبیعی (naturalist moral philosophy) (طبیعت‌گرایی) وجود دارد. در فلسفه‌ی انسان‌گرایی حقوق و تکالیف، تنها به جوهر و شخصیت وجودی انسان‌ها چه بصورت فردی و اجتماعی مربوط می‌شود. هرچند ممکن است انسان‌ها مایل به رعایت و ملاحظه سایر موجودات و گونه‌های حیاتی باشند ولی سایر موجودات غیر از انسان هیچ حقوق یا مسئولیتی ندارند (پرمن یوما و مک گیل ری، ۱۳۸۲).

فلسفه‌ی طبیعت‌گرایی

اخلاق در نظر کسانی که معتقد به اصالت طبیعت هستند این امتیاز و یا تقدم جوهر و شخصیت وجودی انسان بر سایر موجودات را رد می‌کند. در این چارچوب اخلاقی، ارزش‌ها از جوهره وجودی انسان سرچشمه نمی‌گیرد هیچ نوع پایه روانشناسی انسان وجود ندارد، هیچ پناهگاه اختصاصی برای انسان وجود ندارد. در مقابل حقوق تنها با ملاحظه و

یا دیدن یک درنای کمیاب را ارج می نهد، در واقع ارج نهادن او فقط به آن گونه محدود نیست، بلکه تمامی بافت زنده‌یی را که آن گونه‌ها بدان وابسته‌اند نیز ارج می‌نهد (Norton, 1989).

منابع

اردکانی، م. ر. ۱۳۸۸. اکولوژی. انتشارات دانشگاه تهران. ۳۴۰ صفحه.

اشرفی، م. و بهزاد نسب، م. ۱۳۸۵. حفاظت از محیط زیست مرکز آموزش سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران. ۶۴ صفحه.

کریم زادگان، ح. ۱۳۸۲. مبانی اقتصاد محیط زیست. انتشارات نقش مهر. ۲۱۶ صفحه.

عابدی سروستانی، ا.، منصور، و. و محقق داماد، م. ۱۳۸۶. ماهیت و دیدگاه های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی. فصلنامه‌ی اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره های ۱ و ۲. صفحات ۵۹-۷۲.

پرمن یوما، ر. و مک گیل ری، ج. ۱۳۸۲. اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی. ترجمه ی حمید رضا ارباب. نشر نی. ۴۳۷ صفحه

دی پیرس، آ. و باتمان، آ. ۱۳۷۴. اقتصاد محیط زیست. ترجمه ی سیاوش دهقانیان و عوض کوچکی و کلاهی اهری. انتشارات دانشگاه فردوس مشهد. ۷۲۸ صفحه.

Benson, j. 1929. Environmental Ethics: An introduction with readings.

Norton, B.G. 1989. The Cultural Approach to Conservation Biology. in David Western and Mary C. Pearl (eds), Conservation for the Twenty-first century, Oxford University Press, 241-6.

Wilson, E. 1994. The Diversity of Life. Penguin, 327-35.

طریق اعلام این نواحی به عنوان پارک‌های ملی انجام می‌گیرد و سراسر دنیا رده بندی‌های متعددی برای چنین مناطقی وجود دارد. طریقه‌ی دیگر حفظ تنوع زیستی تشویق به بهره برداری پایدار می‌باشد. این بدان معنی است که از مواهب طبیعی طوری بهره‌برداری شود که ذخایر آن‌ها کاهش نیابد و بر توانایی آن‌ها ضرری نرسد.

طرفداران حفاظت علاقه‌ای به ایده‌ی بهره‌برداری ندارند. در عمل، آن‌ها احساس می‌کنند که هرگونه بهره‌برداری نهایتاً منجر به نابودی تنوع زیستی خواهد شد زیرا مردم نمی‌توانند امانت دار منابع طبیعی باشند. اما طرفداران بهره‌برداری پایدار به رشد جمعیت و توسعه اقتصادی در سطح جهان، اشاره می‌کنند و به نظر آن‌ها حفظ تنوع زیستی باید از لحاظ اقتصادی سودمند و برای تضمین حفاظت از آن انگیزه‌های وجود داشته باشد (دی پیرس و همکاران، ۱۳۷۴).

به باور ما تأکید بر ارزش مشارکتی گونه‌های وحشی حائز اهمیت است. اقتصاد دانانی که سعی دارند گونه‌ها را براساس ارزش تجاری و سایر ارزش‌های اقتصادی آن‌ها بسنجند و طرفداران محیط زیست که بر ارزش فرهنگی- زیبا شناختی گونه‌ها تأکید می‌ورزند هر دو ارزش مشارکتی آن‌ها را دست کم می‌گیرند. گونه‌ها در انزوا زندگی نمی‌کنند، بلکه اکثر آن‌ها به عنوان بخش‌های مهم اکوسیستم‌ها عمل کرده و لذا در تأمین و تدارک سایر گونه‌ها مشارکت دارند و سهم خود را در این زمینه ادا می‌کنند. اگر کسی یک گونه علف گندمی را به آن خاطر ارزش می‌نهد که آن علف فرصتی برای ایجاد یک نوع ذرت چند ساله‌ی دو رگه فراهم می‌آورد، و